

## بررسی و نقد کتاب *أمراء الشعر العربی فی العصر العباسی*

لیلا جمشیدی\*

### چکیده

نقد و بررسی پژوهش‌هایی در زمینه زندگی شخصیت‌های ادبی و تأثیر آثار آنان در ادبیات از جایگاه والایی برخوردار است؛ به‌ویژه آن‌که این نقد و بررسی‌ها نقش مؤثری در پیش‌برد اهداف آموزشی ایفا می‌کند. این‌گونه نقدها، گذشته از آن‌که موجب پیراستگی این آثار و مقبولیت بیش‌تر آنان می‌شود، راه را برای پژوهش‌های کاربردی در این زمینه نیز هموار می‌کند. از میان این آثار کتاب *أمراء الشعر العربی فی العصر العباسی* از جمله آثاری است که نویسنده آن کوشیده است با انتخاب برگزیدگانی از شاعران عصر عباسی و بررسی ویژگی‌های شعری آنان شعر این دوره را بررسی و تحلیل کند. نگارنده در مقاله حاضر بر آن است که، پس از مقدمه‌ای در باب اهمیت نقد پژوهش‌ها و کتاب‌های ادبی، به معرفی جایگاه و هدف این کتاب بپردازد و با بررسی ساختاری و محتوایی به بیان ویژگی‌ها و کاستی‌های محتوایی و نگارشی آن بپردازد. از آن‌جاکه نویسنده این کتاب با هدف سوق دادن علاقه‌مندان ادبیات به حوزه پژوهش علمی - ادبی آن را منطبق با برخی تکنیک‌های آموزشی تألیف کرده است، به‌نظر می‌رسد این کتاب پس از بازنگری و رفع کاستی‌ها به‌عنوان منبع تدریس در مقطع کارشناسی‌ارشد کارایی مطلوب را داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** ساختار، شعر، عصر عباسی، محتوا.

### ۱. مقدمه

نقد و بررسی کتاب‌های ادبی و تاریخ ادبیات، به‌جهت نقد یکی از مهم‌ترین شاخه‌های تمدن بشری، از جایگاه والایی برخوردار است؛ چه آن‌که در پژوهش‌های ادبی «جنبه‌های

---

\* استادیار دانشگاه پیام نور، گروه زبان و ادبیات عرب، [ljamshidi53@gmail.com](mailto:ljamshidi53@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

ادبی تاریخ بشر و تمدن‌های قومی را مورد بررسی قرار داده و می‌کوشیم تا تحول زندگی و جنبش‌های فکری را از طریق سبک‌های ادبی تحلیل نماییم» (لانسون ۱۹۴۶: ۱۵). از آن‌جاکه سبک‌های ادبی پرداختن به جنبه‌های زیبایی‌شناختی زبان است و زبان عرصه‌های مختلف فلسفه، تاریخ، اخلاق، اجتماع، و ... را درمی‌نوردد (عاصی ۱۳۷۵: ۱۱-۲۲)، پژوهش‌گر ادبیات و تاریخ آن، صرف‌نظر از ویژگی‌های خاص این حیطه، که موجب تمایز آن بر عرصه‌های تاریخی و هنری دیگر می‌شود، یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی و یکی از جنبه‌های زیبایی‌شناسی هنر را بررسی و پژوهش می‌کند. گذشته از آن‌که پژوهش در این عرصه به جهت ارتباط دادن سبک و محتوای آثار ادبی با صاحب اثر، جامعه، و عصر تألیف آن نیازمند قدرت فهم و استنباط و ذوق بسیاری است؛ چه آن‌که

تاریخ ادبیات می‌کوشد واقعیت‌ها را درک کرده، جنبه‌های مدلولی آن را تشخیص داده، و به تبیین ارتباط میان آن دو بپردازد ... و اگر موضوع تاریخ گذشته سپری شده‌ای است که تنها نشانه‌های باقی‌مانده و یا ویرانه‌ها یاد آن را تداعی می‌کند، تاریخ ادبیات گذشته‌ای ماندگار است که دایره آن زمان حال را هم دربر می‌گیرد (لانسون ۱۹۴۸: ۱۹-۲۰).

از مهم‌ترین پژوهش‌ها و تألیفات که در حوزه ادبیات و تاریخ آن انجام گرفته آثار آنیس الخوری المقدسی است که نویسنده آن سالیان متمادی به تدریس در دانشگاه‌ها مشغول بوده و رئیس اداره زبان عربی دانشگاه امریکایی بیروت (الزکلی ۲۰۰۲: ج ۲، ۲۹) و عضو فرهنگستان قاهره و دمشق بوده است (پروینی و دیگران ۲۰۱۳: ۱۷۲۹). آثار ادبی او را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. پژوهش‌های نقد ادبی، که عبارت‌اند از: *المختارات السائرة و مقدمة فی دراسة النقد فی الأدب العربی و سلسلة مباحث نقدی که در دانشگاه تهران به صورت سخن‌رانی ارائه شده است.*
۲. پژوهش‌های تحلیلی در ادبیات عربی قدیم، مانند *أمرء الشعر العربی فی العصر العباسی، تطور الأسالیب النثریة فی الأدب العربی.*
۳. پژوهش‌های تحلیلی در ادبیات معاصر عربی، از جمله: *الاتجاهات الأدبیة فی العالم العربی الحدیث؛ الفنون الأدبیة و أعلامها فی النهضة العربیة الحدیثة؛ الدول العربیة و آدابها؛ اعلام الجيل الأول من شعراء العربیة فی القرن العشرين.*
۴. آثار تحقیقی، مانند *تحقیق دیوان ابن الساعاتی؛ رسائل ابن الأثیر.*

اگرچه هریک از این آثار ارزشمند و شایسته نقد و بررسی است، از آنجاکه شخصیت‌های ادبی از یک سو متأثر از شرایط زمانی و محیطی خویش و، از سوی دیگر، کانون تأثیرات گذشته در حال و بازتاب نگرش‌های حال در آینده‌اند، نقد و بررسی پژوهش‌هایی که زندگی و آثار آنان را مورد توجه قرار داده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چه آن‌که

بیش‌تر ادیبان بازماندگان نسل‌های پیشین و کانون جریان‌های نو می‌باشند ... و برای درک کیفیت و ژرفای واقعی این مهم ناگزیر از بررسی تأثیر ادیب در زندگی ادبی-اجتماعی، جریان‌های فکری، فنون ادبی، و بررسی رویدادهای مهم و حالت‌های ذوقی و احساسی هستیم که مشاهیر ادب و شاهکارهای ادبی آنان را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهد (لانسون ۱۹۴۸: ۲۳-۲۴).

در همین راستا، نگارنده نوشتار حاضر بر آن است تا، به مقتضای سال‌ها تدریس در تاریخ و متون عصر عباسی و گرایش به نقد و تحلیل در این باب، به نقد و بررسی کتاب *آراء الشعر العربي في العصر العباسي* از این مؤلف برجسته بپردازد؛ چه آن‌که بر این باور است که نقد پژوهش‌های برتر ادبی، گذشته از آن‌که موجب پیراستگی این آثار و مقبولیت بیش‌تر آنان می‌شود، راه را برای پژوهش‌های کاربردی در این زمینه نیز هموار می‌کند.

## ۲. جایگاه کتاب و هدف آن

در تحلیل و بررسی آثار پژوهشی حوزه ادبیات می‌توان به سه روش اشاره کرد:

روش نخست شیوه اجمالی است که ویژه دبیرستان‌ها و محافل ادبی عمومی بوده و هدف از آن آگاهی و اطلاع از دستاوردهای ذوقی ادیبان و اندیشمندان در دوره‌های مختلف است. شاید بتوان جرجی زیدان را از نخستین کسانی دانست که این روش تحلیلی را در زبان عربی به کار گرفته است. پس از او، ادیبان و پژوهش‌گران بسیاری نیز آن را آزموده و آثاری به جا گذاشته‌اند که نیاز علاقه‌مندان به ادبیات را در این عرصه پاسخ‌گو بوده است.

روش دوم بررسی و جست‌وجوی دقیق است که ویژه دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها بوده و پژوهش‌گر می‌کوشد تلاش خویش را بر جنبه خاصی، که در آن تخصص دارد، متمرکز کند. وی در این شیوه اطلاعات خویش را از منابع مختلف گردآوری می‌کند و با بهره‌گیری از قواعد و اصول نقد روش علمی، کنکاش دقیق و به‌دوراز غرض‌ورزی و تقلید کورکورانه پژوهش خویش را به‌ثمر می‌رساند.

روش سوم روش بینابین است که می‌توان آن را «تخصص ابتدایی یا مقدماتی» (المقدسی ۱۹۸۹: ۵) نامید. هدف از این شیوه بررسی یکی از انواع ادبی مانند شعر است که در آن با برگزیدن تعدادی از بزرگان ادب و تکیه بر پژوهش علمی و تحلیل ادبی تلاش می‌شود تا علاقه‌مندان به ادبیات را به مرحله بررسی و جست‌وجوی دقیق سوق دهد.

در این میان، می‌توان کتاب *أمرء الشعر العربی فی العصر العباسی* را از جمله تألیفاتی دانست که نویسنده آن با برگزیدن هشت تن از بزرگان شعر عصر عباسی (ابونواس، ابوالعتاهیه، ابوتمام، بحتری، ابن‌رومی، متنبی، معری، و ابن‌فارض) شعر آن‌ها را به شیوه تحلیلی جدید، که برپایه پژوهش علمی و نقد و تحلیل ادبی استوار است، بررسی و از طریق آن ویژگی‌های شعر دوره عباسی را استخراج کرده است. از این رو، این کتاب را می‌توان در زمره آثار جای داد که به شیوه سوم تألیف شده و مؤلف بر آن بوده تا دانشجویان را به حوزه پژوهش علمی، تحلیل، و جست‌وجوی دقیق در ادبیات سوق دهد تا با الهام‌گیری از آن نخستین گام‌ها را به‌سوی تخصصی‌شدن بردارند.

### ۳. بررسی ساختار شکلی کتاب

عنوان کتاب *أمرء الشعر العربی فی العصر العباسی* است که با خط درشت به‌همراه نام نویسنده آن، آنیس المقدسی، بر روی جلد کتاب درج شده است. چاپ هفدهم آن در ۱۹۸۹ توسط انتشارات «دارالعلم للملایین»، که نام آن در پایین جلد کتاب و سمت راست آن خودنمایی می‌کند، منتشر شده است. طرح روی جلد تصویری مبهم از کلکی در جوهردان است و می‌تواند نمادی از نگارش ادب و ثبت مباحث و مسائل مربوط به آن باشد که چندان با هدف کتاب، که پرداختن به یک نوع ادبی و بررسی سبک و تاریخ بزرگان آن در دوره‌ای خاص است، بیگانه نیست.

این کتاب در ۴۸۰ صفحه شامل یک پیش‌گفتار، دو بخش، فهرست موضوعات، و فهرست مراجع است. نوع خط و حروف‌چینی کتاب کاملاً خوانا و واضح است. صفحه‌آرایی مطلوب، پاراگراف‌بندی صحیح، فاصله مناسب بین خطوط، شماره‌گذاری صفحات، و عنوان‌بندی بیان‌گر اهتمام نویسنده و ناشر در پای‌بندی به اصول صحیح تألیف است؛ به‌ویژه آن‌که سرعنوان‌ها با تیتراژ سیاه به‌صورت وسط‌چین و ریزعنوان‌ها به رنگ سیاه و چپ‌چین نگاشته شده است. اگرچه فاصله سرعنوان‌ها با ابتدای متن رعایت شده است، نبود فاصله میان ریزعنوان‌ها با پاراگراف پیش از آن و عدم رعایت اسلوب

یک‌سان در تقسیم‌بندی ریزعنوان‌ها خُرده‌ای است که اگر در چاپ‌های بعدی به رفع آن توجه شود، جذابیت بیش‌تری به کتاب می‌دهد و می‌تواند به تثبیت مفاهیم در ذهن خواننده کمک کند. هم‌چنین، در برخی موارد (مانند ص ۱۹-۲۰) در چینش خطوط متن نوعی ناهماهنگی به چشم می‌خورد که لازم است در چاپ‌های بعدی کتاب موردتوجه قرار گیرد. بخش دوم کتاب، با عنوان «القسم الثاني»، از بخش اول متمایز شده است، ولی به نظر می‌رسد عنوان بخش اول فراموش شده و شاید همین امر تاحدودی خواننده را در تشخیص بخش‌ها و تمایز آن از فصل‌ها دچار سردرگمی می‌کند. منابع و مراجع مورداستناد نویسنده نیز در حاشیه صفحات آورده شده است که موجب سهولت دست‌یابی خواننده به آن‌ها می‌شود.

آن‌چه ساختار شکلی این کتاب را از دیگر کتب تاریخ ادبیات متمایز می‌کند آوردن فهرست منابع هر فصل بخش دوم در ابتدای آن فصل است که تقریباً به شیوه کتاب *الجامع فی تاریخ الأدب العربی*، نوشته حنا الفاخوری، نزدیک است (الفاخوری بی‌تا)؛ باین تفاوت که فهرست منابع و مراجع کتاب حنا الفاخوری در پایان هر فصل آمده است. هم‌چنین، منابع و مراجع در این کتاب به‌همراه ذکر صفحه آورده شده که نسبت به کتاب *الجامع فی تاریخ الأدب العربی* دارای مزیت و برتری است.

اشکالی که در این بخش به چشم می‌آید این است که مصادر و مراجع بخش اول کتاب در ابتدا یا انتهای فصل‌ها ذکر نشده و به آوردن آن در حاشیه و آن هم به صورت ناقص بسنده شده است.

ذکر این نکته لازم است که کتاب از هرگونه تمرین، کادر، تصویر، جدول، نمودار، و نقشه خالی است و شاید همین یک‌نواختی تاحدودی برای علاقه‌مندان به ادب و به‌ویژه دانشجویان ملال‌آور شده و نوعی کاستی باشد که در صورت ارائه آن به عنوان کتاب درسی به چشم آید. هم‌چنین، به‌رغم کثرت اعلام و ابیات در متن کتاب، پایان آن از فهرست اعلام، فهرست اشعار، فهرست منابع، و کتاب‌شناسی تاریخ ادبیات خالی است و همین امر دانشجویان را در مراجعه به آن‌ها با مشکل مواجه می‌کند.

#### ۴. بررسی محتوای کتاب

به نظر می‌رسد مؤلف کتاب چارچوب حساب‌شده‌ای برای ارائه محتوا و درون‌مایه آن پی‌ریزی کرده است؛ به گونه‌ای که فقط به مباحثی می‌پردازد که در ارتباط تنگاتنگ با موضوع

کتاب است. از این رو، از پرداختن به مباحثی که ممکن است موجب اطناب در کلام شده و از موضوع اصلی خارج شود خودداری می‌کند و حتی خود در برخی موارد با عبارت‌هایی مانند «و لو أنَّ المقام يقتضى الاسهاب فى ... لذكرنا هنا .... ولكن ذلك ليس غرضنا هنا» (المقدسى ۱۹۸۹: ۶۷) به این امر تصریح می‌کند. بررسی و تحلیل مباحث مطرح‌شده در کتاب نیز روندی منطقی و اصولی را طی می‌کند که متأثر از چارچوب شکلی کتاب است. محتوای کتاب پس از پیش‌گفتار در دو بخش بررسی شده است که به تفصیل به بررسی هریک پرداخته می‌شود.

#### ۱.۴ پیش‌گفتار کتاب

نویسنده در پیش‌گفتار کتاب هدف از نگارش کتاب را بیان کرده و آن را در زمره کتاب‌هایی دانسته است که دانشجویان و علاقه‌مندان به ادبیات را به سمت پژوهش علمی، کنکاش، و جست‌وجوی دقیق ادبی سوق می‌دهد. وی روش کتاب را «تخصص پایه‌ای یا مقدماتی» (همان: ۵-۶) نامیده که شعر دوره عباسی را با تکیه بر زندگی و اشعار هشت تن از شاعران سرآمد این عصر تحلیل و بررسی کرده است. هم‌چنین، روش پژوهشی آن را روش تحلیلی جدید، مبتنی بر منابع و مراجع ادبی و بخش عظیمی از اشعار این شاعران دانسته که هدف علمی-ادبی پژوهش را به‌خوبی محقق کرده است.

مؤلف کتاب علت گزینش این شاعران را نیز از نظر دور نداشته و در پیش‌گفتار اشاره کرده است که انتخاب این شاعران به این معنی نیست که جایگاه و رتبه آنان از دیگر شاعران عصر عباسی برتر بوده یا شاعران دیگری که در برخی اغراض و جنبه‌های شعری از آنان پیشی گرفته باشند وجود ندارد؛ بلکه علت گزینش آنان از یک سو به جهت شهرتشان در این دوره بوده و، از سوی دیگر، تحلیل زندگی و اشعارشان امکان بیش‌تری را برای بررسی جنبش‌های ادبی و حرکت‌های شعری در دوره عباسی فراهم می‌کند.

هم‌چنین، وی این کتاب را حاصل گرایش و علاقه بسیار وی به بررسی اشعار دوره عباسی و تشویق استادان، اندیشمندان، و علاقه‌مندان ادبیات به نگارش کتابی توسط وی دانسته که چاپ هفتم آن نیز تحت اشراف و نظارت خود او بازننگری، اصلاح، و ویرایش شده است. این امر خود حکایت از مقبولیت بسیار این کتاب از سوی جامعه ادبی دارد و شاید از همین روست که اشکالات نگارشی و ویرایشی کتاب به حداقل ممکن رسیده است.

## ۲.۴ بخش اول کتاب

این بخش حدود ۷۷ صفحه از حجم اصلی کتاب را به خود اختصاص داده است که به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به مبحث اصلی کتاب، یعنی شعر دوره عباسی در بخش دوم، است. ارائه مباحثی با عنوان‌های «عوامل سیاسی خلافت عباسی»، «تحول زندگی اجتماعی دوره عباسی»، «تمدن دوره عباسی»، و «جنبش‌های فکری» حاکی از تلاش نویسنده برای پرداختن به موضوعاتی است که راه را بر تحلیل‌های بخش دوم بگشاید و پیش‌زمینه‌ای برای فهم مباحث آن باشد؛ چنان‌که خود نیز به این امر تصریح کرده و گفته است:

ما در این جا می‌کوشیم فضایی که ادبیات این قوم در آن شکل گرفته است را بررسی نماییم و نه تاریخ سیاسی آن‌ها؛ چراکه درغیراین صورت مراجعه به کتاب‌های مفصل تاریخی مانند کتاب‌های طبری، مسعودی، ابن‌الاثیر، مسکویه، ابن‌الطقطقی، ذهبی، ابن‌خلدون، و دیگران — که حق مطلب را در این باره به جای آورده‌اند — شایسته‌تر است (همان: ۹).

باتوجه به این‌که هریک از این مباحث خود دربردارنده مباحث فرعی و دارای حجمی بالغ بر پانزده صفحه است، به جا بود نویسنده هر مبحث را با عنوان فصل مشخص کند تا چارچوب شکلی و محتوایی کتاب از نظم و ترتیب منسجم‌تری برخوردار باشد.

## ۳.۴ بخش دوم کتاب

این بخش با عنوان «شعر دوره عباسی» هدف اصلی نگارش کتاب بوده که با ۳۹۵ صفحه حجم وسیعی از مباحث اصلی کتاب را به خود اختصاص داده است و با مقدمه‌ای بالغ بر پانزده صفحه، به تفصیل، ویژگی‌های شعر عباسی را از جنبه‌های معنایی و لفظی بررسی می‌کند. سپس، در صفحه‌ای جداگانه با عنوان «بزرگان شعر مولد» و ذکر نام‌های شاعران مورد بحث — به ترتیب ابونواس، ابوالعتاهیه، ابوتمام، بحتری، ابن‌رومی، متنبی، معری، و ابن‌فارض — بار دیگر انگیزه خویش را از انتخاب این شاعران بیان می‌کند که تکرار همان دلایلی است که در مقدمه کتاب آمده است. سپس، به ترتیبی که گذشت، زندگی و شعر هر یک از این شاعران را بررسی می‌کند. شایان ذکر است که مؤلف کتاب قبل از پرداختن به مباحث مربوط به هر شاعر، ابتدا در صفحه‌ای جداگانه نام، کنیه و لقب شاعر، تاریخ تولد و وفات وی به هجری — قمری و میلادی، فهرست موضوعات، و فهرست مصادر را آورده است. هرچند نبود شماره صفحه در فهرست موضوعات به نظر نوعی کاستی می‌آید که در

این بخش ملاحظه می‌شود، نویسنده با آوردن فهرست کلی در پایان کتاب به‌هم‌راه شماره صفحه راه را بر خرده‌گرفتن در این باب بسته تا هدف از آوردن فهرست موضوعات در ابتدای هر فصل را ارائه‌نمایی کلی از مباحث ارائه‌شده در آن فصل قرار دهد.

اگرچه در تقسیم‌بندی مباحث هر بخش بر عنوان فصل تصریح نشده است، استقلال هر مبحث از مبحث دیگر و داشتن سرعنوان در هر کدام فصل‌بندی مباحث را در ذهن خواننده تداعی می‌کند که اگر به آن تصریح می‌شد، بر مقبولیت کتاب می‌افزود.

در هر مبحث بخش دوم، که به یکی از شاعران اختصاص دارد، نویسنده ابتدا زندگی، محیط، و شخصیت شاعر را تحلیل و بررسی می‌کند. سپس، به ادب و ویژگی‌های بارز شعری وی می‌پردازد. پرداختن مؤلف به مباحثی که در دیگر کتب تاریخی به‌ندرت به آن پرداخته شده از امتیازات این بخش است؛ هرچند در بیان مباحث، موضوعات، و ریزعنوان‌ها ترتیب یک‌سانی را رعایت نکرده که شاید بتوان دلیل آن را ویژگی‌های خاص شخصیتی و ادبی هر شاعر دانست که نویسنده سعی در برجسته‌کردن آن داشته است تا با تأکید بر آن وی را از دیگر هم‌گانش متمایز کند. آوردن گزیده‌ای از اشعار هر شاعر در پایان بررسی زندگی و ادب وی امتیاز دیگری است که این کتاب را بر دیگر کتاب‌هایی که با این هدف نگاشته شده است برتری می‌بخشد؛ چه آن‌که خواننده را از مراجعه به دیوان شاعر بی‌نیاز می‌سازد و، از جهتی، فرصت بررسی، تطبیق، و تحلیل مطالب ارائه‌شده پیشین را برای او فراهم می‌کند.

## ۵. ویژگی‌های مثبت کتاب

تردیدی نیست کتابی که چاپ هفدهم خود را پشت‌سر گذاشته است دارای نقاط قوت بسیاری بوده که این چنین مقبولیت عام یافته است. گذشته از فضل، توانمندی ادبی، و صاحب‌نظر بودن صاحب این اثر، که بسیاری از بزرگان حوزه ادبیات به آن اذعان دارند، (پروینی و دیگران ۲۰۱۳: ۱۷۲۹-۱۷۳۰)، کتاب موردنقد و بررسی وی دارای محاسن و امتیازاتی است؛ اشاره به مواردی از آن در ذیل ضروری می‌نماید:

### ۱.۵ بهره‌گیری از روش علمی — پژوهشی هدف‌مند

نویسنده در تألیف این کتاب کوشیده است تا با تمرکز بر موضوعی خاص و با تکیه بر شیوه تحلیلی جدید و بهره‌گیری از منابع اصلی قدیمی و منابع جدیدی که به‌صورت



تخصصی به موضوع پرداخته است، همه جوانب آن موضوع را بررسی کند. همچنین، نویسنده در استدلال‌های خویش بیش‌تر از قیاس منطقی بهره گرفته است؛ بدین‌گونه که ابتدا مقدمات لازم را می‌آورد و تحلیل می‌نماید، سپس، از آن نتیجه‌گیری می‌کند. گفتنی است که این نتیجه‌گیری گاهی با آوردن عباراتی مانند «و من کل ذلک نستنتج أن...» (المقدسی ۱۹۸۹: ۱۴)، از دیگر تحلیل‌های نویسنده متمایز می‌شود و گاهی بدون هیچ عبارت مقدماتی نتیجه‌تحلیلی خود را بیان می‌کند. البته، باید توجه داشت که نویسنده این نتایج را از طریق استقرا به نتیجه کلی‌تر، که استنتاج ویژگی‌های شعر عصر عباسی است، منتهی می‌گرداند؛ نتیجه‌ای که در بیش‌تر موارد خود مخاطب آن را استنباط می‌کند. شاید بتوان مهم‌ترین ویژگی مثبت این کتاب را قوی‌بودن جنبه استنادی آن دانست. استناد به گفته‌ها و اشعار شاعران در تبیین شخصیت، جایگاه ادبی، ویژگی‌های شعری، و سبک ادبی آن‌ها امتیاز دیگری است که شیوه استدلالی نویسنده را قوت بخشیده و آن را متمایز کرده است؛ چنان‌که در تبیین شخصیت شعری ابی‌نواس قول خود شاعر را آورده است:

همین‌که در بوستانی مطبوع قدم می‌نهادم و از صله و یا وعده وصل و یا هدیه‌ای  
خشنود بودم، شعر نیکویی می‌سرودم و اگر بیت‌هایی را در حالتی غیر از آن می‌سرودم،  
از آن رضایت نداشتم (المقدسی ۱۹۸۹: ۱۱۷-۱۱۸؛ به نقل از ابن‌منظور: ۵۵).

در بسیاری موارد نیز استناد به اشعار شاعر تحلیل نویسنده را درباره او کمال بخشیده و استدلال وی را تقویت می‌نماید. چنین نمونه‌هایی در کتاب بسیار است که آوردن همه نمونه‌های آن در حوصله این بحث نمی‌گنجد؛ هرچند که شاید اشاره به دو مورد از آن در این جا بی‌مناسبت نباشد. مثلاً، در تحلیل خروج ابی‌نواس از اسلوب تقلیدی شعر قدیم عرب به بیت شعری از خود شاعر استناد کرده (المقدسی ۱۹۸۹: ۱۱۸) که در این باب گفته است:

صِفَةُ الطُّلُولِ بِلَاغَةُ الْقِدَمِ فَاجْعَلْ صِفَاتِكَ لَا بَنَةَ الْكَرَمِ  
(ابن‌نواس ۲۰۰۷: ۵۲۰)

و یا در تحلیل پیچیدگی معانی و دشواری واژگانی شعر ابی‌تمام به قول خود شاعر استناد کرده است (المقدسی ۱۹۸۹: ۲۰۷):

فَكَأَنَّمَا هِيَ فِي السَّمَاعِ جَنَادِلُ وَكَأَنَّمَا هِيَ فِي الْقُلُوبِ كَوَاكِبُ

و غَرَائِبُ تَأْتِيكَ إِلَّا أَنَّهُا لِصَنِيْعِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ أَقَارِبُ

(التبریزی ۱۹۹۴: ج ۲، ۱۰۱)

نکته قابل توجه دیگر این است که نویسنده فقط به قول شاعران و ابیات آنان در تحلیل‌ها بسنده نکرده، بلکه استناد به گفته‌های ادیبان، صاحب‌نظران، و منتقدان مطرح ادبیات در استدلالات او ویژگی برجسته دیگری است که به ارزش کتاب افزوده است؛ به‌ویژه این که این استنادات در دو حیطه مخالف و موافق آورده شده تا مجال تحلیل و بررسی را برای نویسنده و خواننده فراهم کند (المقدسی ۱۹۸۹: ۱۱۳، ۲۴۹). نکته قابل اهمیت آن است که در برخی موارد نظر نویسنده متفاوت از آرای مورداستناد است (همان: ۱۱۳) که خود می‌تواند دلیلی بر جرئت علمی نویسنده و صاحب‌نظری او باشد. البته، این امر در همه موارد صدق نمی‌کند، بلکه در برخی موارد این استنادات حکم فصل‌الخطاب را در پایان تحلیل‌ها دارد (همان: ۹۸) و در برخی موارد در تأیید مقدمات قیاس منطقی نویسنده آورده شده که نتیجه نهایی به تحلیل خود او منتهی می‌شود (همان: ۱۲۴، ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۷).

آنچه لازم است در این جا به آن اشاره شود این است که، به‌رغم استفاده بسیار کتاب از منابع مختلف، نویسنده آن‌ها را با انسجام و هماهنگی خاصی در روند تحلیلی کتاب به کار گرفته است؛ به گونه‌ای که جنبه تحلیلی کتاب بر جنبه استنادی آن غالب است؛ این امر خود حاکی از صاحب‌نظری، توان‌مندی، و تجربه تدریس نویسنده در این زمینه است. قوی بودن جنبه تحلیلی کتاب به حدی است که نویسنده حتی در تبیین شخصیت و زندگی شاعران می‌کوشد به گفتاری سطحی از زندگی آن‌ها اکتفا نکند، بلکه با تحلیل ابیات شاعران ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها را استخراج نماید (همان: ۱۲۷) و در مواردی با مقایسه و تحلیل دوره‌های مختلف زندگی شاعران یا مقایسه شخصیت یک شاعر با شاعران دیگر در همان سبک شعری یا شاعران معاصر وی به نتیجه‌ای دست یابد که خواننده بدون هیچ تردیدی بر نتیجه موردنظر صحه گذارد (همان: ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۴۱۰، ۴۱۸). البته، این امر به تحلیل ادب و شخصیت شاعر محدود نمی‌شود، بلکه در تحلیل عصر و ادب دوره عباسی نیز به‌وضوح دیده می‌شود (همان: ۳۷).

امتیاز دیگر این کتاب را باید در تحلیل مباحثی دانست که، به‌رغم اهمیت آن در دیگر کتب تاریخی، کم‌تر به آن پرداخته شده است؛ چنان‌که در تبیین تأثیر نابینایی ابی‌العلاء معری بر زندگی و ادب وی به اقوال مختلف درباره نابینایی وی، که مادرزاد و مطلق بوده یا خیر،

استناد و در نهایت نتیجه‌گیری کرده است (همان: ۳۹۱)؛ یا در بررسی ویژگی‌های فنی شعر ابن‌رومی درباره وجود واژگان مهجور و دور از ذهن، حروف ربط ساده و مرکب، و رابط‌های قیدی که موجب طولانی‌شدن جمله‌ها می‌شود، با ذکر شواهد به تفصیل بحث کرده است (همان: ۲۹۹).

به نظر می‌رسد که نویسنده، بنابر شگرد استادی خویش، نتیجه کلی کتاب را، که استنتاج ویژگی‌های شعر دوره عباسی از طریق تطبیق ویژگی‌های شعری شاعران موردنظر در کتاب است، به عهده خواننده گذارده تا خود با تحلیل نهایی از مباحث و تحلیل‌های ارائه‌شده در کتاب از طریق استقرا به آن دست یابد که در این صورت خلاقیتی ویژه مطابق با هدف اصلی کتاب یعنی گذر از مرحله آموزش و سوق دادن مخاطب به سوی پژوهش علمی و تحلیلی است و در غیر این صورت کاستی دیگری خواهد بود که متوجه این کتاب است.

## ۲.۵ نظم و انسجام مباحث مطابق با شیوه آموزشی - پژوهشی

شاید تجربه سال‌ها تدریس موجب شده است تا نویسنده در چینش مباحث و ارائه آن سیری منظم و منطقی را طی کند و تألیف خود را به سبک آموزشی - پژوهشی نزدیک نماید. وجود عباراتی چون: «هو بحث واسع نلخصه لطلاب الأدب ...» (همان: ۶۱) حکایت از این دارد که وی این کتاب را با هدف آموزشی تألیف کرده است.

انتقال مباحث از اصل به فرع و تقسیم‌بندی آن‌ها بیان‌گر وجود طرح از پیش تعیین‌شده‌ای است که موجب نظم و انسجام مباحث شده و فهم و فراگیری آن را تسهیل می‌کند. نویسنده هرکجا مجال می‌یابد مباحث را تقسیم‌بندی می‌کند. ابتدا آن را به صورت کلی و فهرست‌وار ذکر می‌کند. سپس، به تفصیل به توضیح هریک می‌پردازد. این ویژگی از ابتدا تا انتهای کتاب به وضوح خودنمایی می‌کند. مثلاً، در مبحث «تمدن عصر عباسی» (همان: ۳۸) جنبه‌های تحول اجتماعی عصر عباسی را با ذکر شماره در چهار مورد دسته‌بندی می‌کند. سپس، هر مورد را به تفصیل توضیح می‌دهد. نویسنده به حدی به این شیوه پای‌بند است که حتی تقسیم‌بندی‌های فرعی را نیز به شکل‌های جزئی‌تری تقسیم کرده است (همان: ۳۸، ۹۷، ۴۰۸). این اسلوب نویسنده حتی در مواردی که تقسیم‌بندی را با حروف یا عدد و یا تغییر رنگ و اندازه خط نگارش مشخص نکرده با استفاده از حروف عطفی مانند «إما، أو ...»، که در زبان عربی بر تقسیم دلالت دارد، خود را می‌نمایاند (همان: ۱۱۷).

### ۳.۵ رعایت امانت در استفاده از منابع و مراجع

یکی از نقاط قوت کتاب استفاده از منابع دست‌اول ادبی و مراجع جدیدی است که به‌طور تخصصی به موضوع پرداخته‌اند و نویسنده با رعایت امانت تحلیل‌ها، نقدها، و استدلال‌های خود را به آن مستند ساخته است. این استناد و اقتباس‌ها به دو شکل آورده شده:

شکل نخست: به‌صورت نقل قول مستقیم بوده که دقیقاً در گیومه قرار داده شده و با ذکر شماره در انتهای قول مرجع مورداستناد مطابق با شماره ذکر شده در پایان قول در پاورقی آورده شده است. البته، در برخی موارد آشفتگی در نگارش عدد و گیومه نیز دیده می‌شود؛ چنان‌که در برخی موارد — حتی در یک صفحه — شماره ارجاع در داخل گیومه و برخی دیگر در خارج از آن نوشته شده است (همان: ۳۱). گاهی نیز این آشفتگی به‌حدی است که شماره ارجاع در وسط نقل قول قرار دارد (همان: ۷۴) یا قراردادن گیومه در انتهای قول فراموش شده است (همان: ۲۱۰، ۲۱۱).

شکل دوم: به‌صورت نقل به مضمون و محتواست و در بیش‌تر موارد مربوط به روایات و اقوالی است که طول بسیار آن ممکن است بر حجم کتاب سنگینی کند. این استنادات نیز در انتهای مطلب بدون آوردن گیومه با شماره مشخص شده و در پاورقی با ذکر صفحه به منبع آن ارجاع داده شده است.

البته، موارد بسیار نادری نیز وجود دارد که مرجع قول مورداستناد ذکر نشده است؛ چنان‌که در صفحه ۲۵۰ نویسنده به سه بیت شعر و در صفحه ۳۴۸ به دو بیت شعر بدون ذکر شاعر و مرجع آن استناد کرده است یا در صفحه ۳۵۱ از ابن‌رشیق قیروانی قولی را درباره متنی بدون ذکر منبع آورده است. هم‌چنین، در برخی موارد برای چندین نقل قول مستقیم با فاصله یا برای یک نقل قول مستقیم و یک نقل به مضمون یک بار ارجاع داده است که این شیوه ارجاع چندان مرسوم نیست (همان: ۲۹۱، ۴۴۱).

### ۴.۵ سازگاری محتوای کتاب با فرهنگ اسلامی - ایرانی و پرهیز از جانب‌داری

به‌رغم این‌که محتوای کتاب مربوط به عصر عباسی یکی از بحث‌برانگیزترین دوره‌های تاریخ اسلام درباره مذاهب و فرق اسلامی است و در بسیاری موارد نویسنده کتاب برای تبیین شرایط سیاسی، اجتماعی این عصر و تأثیر آن در ادبیات ناگزیر از واردشدن به حوزه‌های سیاسی و دینی است، باوجود این امر نکته‌ای منافات با فرهنگ اسلامی در این

کتاب وجود ندارد و حتی در توضیح مباحث مربوط به فرقه‌های اسلامی و حکومت‌های ملوک‌الطوایفی — که بسیاری از آن‌ها از قومیت‌های غیرعربی بوده و در حرکت‌های فکری و جنبش‌های ادبی این عصر نقش مؤثری داشته‌اند — نیز جمله‌ای که بیان‌گر نوعی جانب‌داری یا تعصب قومی یا فرقه‌ای از سوی نویسنده باشد احساس نمی‌شود. این امر زمانی اهمیت بیش‌تری می‌یابد که بدانیم نویسنده گرایش اخلاقی و مذهبی شاعران را نیز به‌دقت بررسی کرده تا تأثیر آن را در شعرشان بررسی کند (همان: ۱۳۰). تردیدی نیست نقدی که به‌دوراز جانب‌داری و تعصب باشد گذشته از آن‌که برپایه اصول نقد صحیح انجام می‌گیرد، نویسنده را در تحلیل و ارزیابی مطلوب و رسیدن به نتیجه درست و دقیق یاری می‌رساند.

البته، بی‌طرفی نویسنده بدان معنا نیست که وی در تألیف این کتاب به ارزش‌های دینی و فرهنگی اسلام بی‌توجه بوده است، بلکه هر جا که فضا و مناسبتی را احساس کرده بر این ارزش‌ها تکیه و تأکید کرده است (همان: ۶۹).

از آن‌جاکه عصر عباسی در تاریخ عرب دوره‌ای است که نقش ایرانیان در حکومت و ادبیات عرب بسیار پُررنگ بوده (الحوفی ۱۹۶۸: ۱۷۷-۳۰۰)، نویسنده نیز به‌دوراز تعصب قومی عرب تأثیر مثبت ایرانیان را در ادبیات عصر عباسی بررسی و ارزیابی کرده است (المقدسی ۱۹۸۹: ۱۰-۱۱) و بزرگان علم و ادب این عصر را با ذکر اصالت فارسی آنان برمی‌شمارد (همان: ۱۸-۱۹) و به منابع معتبر در این‌باره استناد می‌کند (همان: ۶۵)؛ امری که متأسفانه در برخی کتب تاریخی، به‌رغم منزلت علمی نویسنده آن، مشاهده نمی‌شود؛ به‌گونه‌ای که نویسندگان آن کوشیده‌اند با برجسته‌کردن مسائل فرعی و نسبت‌دادن رویدادها و ویژگی‌های منفی عصر عباسی به ایرانیان واقعیت تأثیر مثبت آنان را در فرهنگ و ادب این دوره کم‌رنگ کنند (ضیف ۱۹۶۶: ۶۵) و شاید همین امر موجب شده است تا دانشجویان فارسی‌زبان به مطالعه آن مباحث رغبت چندانی نشان ندهند. از این‌رو، می‌توان این کتاب را از مجموعه کتاب‌هایی دانست که مناسبت بیش‌تری برای تدریس در دانشگاه‌های ایرانی دارد؛ به‌ویژه آن‌که در استنادات خود به قول ادیبان فارسی نیز استناد کرده (المقدسی ۱۹۸۹: ۳۹۶) یا در تحلیل شخصیت و ادب شاعران عرب آنان را با شاعران فارسی مقایسه کرده است (همان: ۱۲۷) که می‌تواند در ایجاد فضای لازم برای گرایش علاقه‌مندان به پژوهش‌های تطبیقی میان دو زبان عربی و فارسی مؤثر واقع شود.

## ۵.۵ آوردن شاهد مثال‌های شعری بسیار

باتوجه به این که کتاب مورد نقد از مجموعه کتاب‌هایی است که با هدف بررسی ویژگی‌های دوره عباسی به شیوه استقرا و از طریق تحلیل اشعار و خصوصیات شعری برخی شاعران این دوره تألیف شده است، نویسنده آن در تحلیل و استناد به ابیات شاهد مثال به یک یا دو نمونه بسنده نمی‌کند. استفاده از شاهد مثال‌های بسیار ویژگی دیگری است که، باتوجه به هدف کتاب، می‌توان آن را مثبت ارزیابی کرد؛ چه آن‌که فرصت آن را فراهم می‌کند تا خواننده فقط به نقل توصیفی و تحلیل نویسنده قانع نباشد و خود با تحلیل این شاهد مثال‌ها، ویژگی‌های شعری شاعر را استخراج کند و، در نتیجه، فهم این ویژگی‌ها آسان‌تر و در ذهن وی تثبیت شود. علاوه بر آن کثرت شاهد مثال‌ها به هم راه تحلیل نویسنده نه تنها مخاطب را در فهم متون نیز تقویت می‌کند، بلکه جرقه وجود مجال پژوهش مستقلی در باب ویژگی مورد استشهاد را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که خود امتیاز دیگری برای این کتاب به شمار می‌آید.

البته، گفتن این نکته نیز لازم است که در برخی موارد تعداد این شاهد مثال‌ها از دو صفحه تجاوز می‌کند و کثرت آن موجب می‌شود مطالعه و تحلیل آن‌ها از حوصله مخاطب خارج شود و نوعی خستگی برای او همراه داشته باشد (همان: ۴۱۰-۴۱۲).

## ۶.۵ استفاده از روایات داستانی و آمیختن نثر و شعر برای جذاب‌تر کردن

### کتاب

تردیدی نیست که بیان گزارشی تاریخی، به‌ویژه در ادبیات تحلیلی، که مجال چندانی برای روایت و داستان وجود ندارد، می‌تواند موجب خستگی خواننده شود و رغبت مطالعه را از وی بگیرد. از آن‌جاکه نویسنده این کتاب به جهت سالیان متمادی تدریس از وجود انگیزه و رغبت به عنوان مؤلفه‌ای مهم در امر فراگیری و آموزش کاملاً آگاه بوده است، کوشیده در تحلیل‌های خویش با استناد به روایات و داستان‌های جذاب درباره شخصیت ادبی شاعران جذابیت خاصی را در فضای تحلیلی کتاب ایجاد کند که در دیگر کتاب‌های تاریخ ادبیات کم‌تر شاهد آن هستیم. این امر در بخش دوم کتاب و در تحلیل شخصیت ادبی شاعران بیشتر به چشم می‌آید (همان: ۱۲۹)؛ تا آن‌جاکه در برخی موارد در باب شرح زندگی شاعران، که مجال بیش‌تری فراهم بوده، سبک نگارش کتاب سمت‌وسوی داستانی پیدا کرده است (همان: ۳۳۶، ۳۳۷).

هم‌چنین، نویسنده در بیان موضوعات تنها به شیوه توصیفی اکتفا نکرده، بلکه با شیوه تحلیلی و آوردن شواهد شعری و آمیختن نثر به نظم متن کتاب را از یک‌نواختی، که ممکن است کسالت‌آور و خسته‌کننده باشد، خارج کرده است. این امر به گونه‌ای است که نویسنده در بسیاری موارد اشعار شاعران را در تکمیل تحلیل‌های خود می‌آورد و آن‌چنان با هنرمندی به این ترکیب دست یازیده که خواننده به فراموشی می‌سپارد که شعر آورده شده در متن از شاعر مورد بحث است و نه از نویسنده. ذکر این نکته لازم است که این شیوه در بخش دوم کتاب به اقتضای هدف تحلیلی آن بارزتر از بخش اول است.

### ۷.۵ آوردن گزیده اشعار و قصاید

یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب آوردن گزیده‌ای از اشعار هر شاعر در انتهای تحلیل شخصیت ادبی اوست. نویسنده با عنوان «گزیده‌ای از شعر...» و آوردن چکیده‌ای از شخصیت ادبی هر شاعر گزیده‌ای از اشعار او را با تقسیم‌بندی در غرض‌های گوناگون شعری آورده است. این اشعار گاهی قصیده‌ای کامل به هم‌راه مناسبت قصیده و گاهی قطعه‌هایی است که یا در دیوان به همین شکل ضبط شده یا خود نویسنده به گزینش خود آن‌ها را انتخاب و چینش کرده است.

وجود این ابیات گذشته از آن‌که مخاطب کتاب را از مراجعه به دیوان شاعر و دیگر کتاب‌های متون شعری بی‌نیاز می‌کند، وی را ترغیب می‌کند تا آموخته‌ها و تحلیل‌های ارائه‌شده پیشین را بر این اشعار تطبیق دهد و خود را در فهم متون نیز تقویت کند. بنابراین، شاید بتوان آن را نوعی تطبیق و تمرین دانست که می‌تواند توجیهی برای جای خالی آن در این کتاب باشد.

آوردن شرح مفردات در پاورقی گزیده اشعار امتیاز دیگری است که اگر نویسنده تنها به شرح مفرداتی که ازدید خود وی دشوار می‌نموده است اکتفا نمی‌کرد و دایره بیش‌تری از واژگان را در آن می‌گنجاند، می‌توانست غنای بیش‌تری به این بخش از کتاب ببخشد؛ به گونه‌ای که کتاب وی را بتوان در واحد متون شعری نیز به عنوان منبع تدریس مورد استفاده قرار داد.

### ۸.۵ استفاده از تکنیک‌های آموزشی در ارائه مباحث کتاب

دقت در اسلوب و سبک حاکم بر کتاب می‌تواند بر نگارش آن توسط استادی که به شیوه‌های تفهیم مباحث به علاقه‌مندان ادبیات آگاهی کامل داشته است صحه گذارد؛ استادی

که به‌جهت اختصاص سالیان متمادی از عمر خویش به تدریس در زبان و ادبیات عربی به درجه استاد افتخاری دائمی این زبان نائل شده (الحازمی ۱۹۹۸: ۱۰۵۴) و به تکنیک‌های آموزش آن کاملاً آگاهی داشته است.

طرح سؤال در ذهن مخاطب قبل از واردشدن به مباحث مهم یکی از تکنیک‌های آموزشی است که نویسنده با به‌کارگیری آن کوشیده است شوق و انگیزه لازم را در مخاطب برای فهم آن مباحث ایجاد کند. این شیوه گاه صراحتاً با جملاتی هم‌چون «هنا لابد أن نسأل: ...» (المقدسی ۱۹۸۹: ۴۱۷) و با طرح سؤال با اسلوب پرسشی انجام گرفته که نویسنده پس از طرح آن، با تحلیلی دقیق، درصدد پاسخ‌گویی به آن برآمده است (همان: ۴۱۷) و گاه با مطرح‌کردن اختلاف‌نظرهای موجود درباره یک موضوع و ارائه آرای موافق و مخالف درباره آن موضوع صورت گرفته تا در ذهن مخاطب سؤال ایجاد شود. سپس، به تحلیل و بررسی آن موضوع و پاسخ‌گویی به سؤالات ایجادشده پردازد. این شیوه گاه آن‌چنان بادقت به‌کار گرفته شده است که مخاطب احساس می‌کند نویسنده ذهن او را خوانده و سؤال او را دریافته و قصد پاسخ‌گویی به آن را دارد (همان: ۳۳۰، ۴۴۱).

یکی دیگر از تکنیک‌های آموزشی به‌کارگرفته‌شده در این کتاب استفاده از اسلوب محاوره‌ای با استفاده از ضمائر و فعل‌های مخاطب است تا از این طریق اسلوب نگارشی را به ارتباط کلامی نزدیک کند و راه را برای جذب خواننده و فهم مطالب هموار سازد. این اسلوب در جمله‌هایی مانند جمله‌های زیر قابل مشاهده است:

«کیفما قلبت دیوانه ... تجد ...» (همان: ۲۸۸)؛

«إذا رجعت إلى حکمة ... رأيت ...» (همان: ۲۸۸)؛

«تأمل هذا التصوير الدقیق إذ ...» (همان: ۲۵۴).

تکنیک دیگر نویسنده در القای مباحث استفاده از ضمائر و فعل‌های متکلم مع‌الغیر (اول‌شخص جمع) است، مانند

«من الانصاف أن نقول أن شاعرنا ...» (همان: ۲۹۴)؛

«ظهر لنا منه أن ...» (همان: ۱۱۴)؛

«نقول ... لأننا لا نرى ...» (همان: ۲۹۵).

که با به‌کارگیری آن کوشیده تا نوعی نزدیکی میان خود و مخاطب ایجاد کند؛ به‌طوری‌که مخاطب احساس می‌کند در ارائه مقدمات مباحث و تحلیل‌های آن با نویسنده مشارکت داشته و نتیجه را حاصل تلاش و تحلیل خود می‌داند و از این‌رو با اشتیاق به فهم



و پذیرش آن همت می‌گمارد. این نزدیکی میان نویسنده کتاب و مخاطب گاه آن‌چنان عمیق می‌شود که نویسنده پس از فعل و ضمیر مخاطب ضمیر متکلم مع‌الغیر آورده است؛ به‌گونه‌ای که مخاطب احساس می‌کند در کلاس درس یا سالن سخن‌رانی استاد است.

هرچند برخی صاحب‌نظران در حیطة پژوهش استفاده از ضمائر و فعل‌های متکلم در پژوهش را نوعی ضعف و کاستی می‌دانند (شلبی ۱۹۶۸: ۸۶-۸۷)، تردیدی نیست که این امر هنگامی صادق است که ضمائر و افعال موردنظر تلقین‌کننده نوعی تفاخر و بیان‌گر اظهار فضل ازسوی نویسنده باشد. این درحالی است که با بررسی کاربرد ضمائر و افعال متکلم در کتاب موردنقد می‌توان به‌صراحت بیان کرد که نویسنده کتاب هرگز درصدد چنین امری نبوده است.

استفاده از روایات و داستان‌ها در استنادات و آوردن شاهد مثال‌های بسیار و گزیده اشعار شاعران نیز از دیگر تکنیک‌های آموزشی نویسنده است که پیش از این به‌تفصیل به بررسی آن پرداخته شد.

## ۶. کاستی‌های کتاب

چنان‌که نویسنده در پیش‌گفتار کتاب تصریح کرده است، چاپ هفتم این کتاب پس از دقت بسیار در رفع کاستی‌ها و اصلاح و بازنگری آن تحت اشراف و نظارت وی منتشر شده است. ازاین‌رو، نارسایی‌ها و ضعف‌های کتاب به حداقل رسیده است؛ اما باوجود این امر، مواردی وجود دارد که رفع آن ازسوی متولیان امر، گذشته‌ازآن‌که بر ارزش علمی کتاب می‌افزاید، آن را برای تدریس در دانشگاه‌ها شایسته‌تر می‌سازد. مهم‌ترین این کاستی‌ها را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

### ۱.۶. نداشتن شرح مفردات

ازآن‌جاکه تکیه اصلی این کتاب بر بررسی و تحلیل شعر شاعران عصر عباسی به‌منظور دستیابی به ویژگی‌های کلی شعر این دوره است، فهم ابیات برای مخاطب به‌منظور درک تحلیل آن‌ها بسیار ضروری می‌نماید؛ به‌ویژه آن‌که در میان این شاعران شاعرانی مانند ابوتام و ابوالعلاء معری و ابن‌فارض وجود دارد که فهم شعر آن‌ها یا به‌جهت پیچیدگی معنایی و آرایه‌های لفظی یا به‌جهت داشتن اصطلاحات فلسفی و عرفانی نیازمند شرح و توضیح است. باوجود این امر، نویسنده در بسیاری موارد آوردن شرح واژگان دشوار در ابیات متن

کتاب را نادیده گرفته است. هرچند به‌ندرت و در برخی موارد بسیار دشوار به شرح ابیات پرداخته (المقدسی ۱۹۸۹: ۲۰۸) یا در گزیده اشعار به آوردن شرح چند واژه در یک صفحه اکتفا کرده است، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز دانشجویان و عطش مخاطبان برای فهم ابیات و اشعار باشد. بنابراین، می‌طلبد که واژگان ابیات هم در متن و هم در گزیده اشعار متناسب با فهم مخاطبان آن در پاورقی شرح و توضیح داده شود.

## ۲.۶ ناهماهنگی در ارائه مباحث مربوط به زندگی و ادب شاعر

با مطالعه بخش دوم کتاب و دقت در فهرست موضوعات این بخش، که مربوط به بررسی زندگی و شعر شاعران است، می‌توان ملاحظه کرد که نویسنده ترتیب یک‌سانی را در بررسی زندگی همه شاعران رعایت نکرده است. مثلاً، درحالی‌که زندگی ابوالعاهیه، متنبی، و ابن‌فارض را با نسب، زادگاه، و محل بالیدن آن‌ها آغاز کرده است، زندگی ابونواس و ابوالعلاء معری را با بررسی اوضاع زمانه آن‌ها و زندگی ابوتمام را پس از مقدمه‌ای تاریخی و پرداختن به ممدوحان عصر وی آغاز کرده است. هم‌چنین، گاه اغراض شعری یک شاعر را تک‌به‌تک با ذکر ویژگی‌های آن و آوردن شاهد مثال ذکر کرده؛ حال آن‌که در دیگری به‌جهت بررسی یک غرض شعری حتی مجال پرداختن مختصر به اغراض دیگر را پیدا نکرده است. در برخی شاعران نیز قسمت عمده تحلیل‌های خود را بر بررسی احوال روحی و روانی شاعر و تأثیر آن در شعر او متمرکز کرده است؛ درحالی‌که در شاعران دیگر بررسی ویژگی‌های ادبی و سبک شعری آن‌ها را محور قرار داده است.

هرچند چنین ناهماهنگی ممکن است با تلاش نویسنده برای تأکید بر جنبه‌های برجسته زندگی و ادب شاعران قابل‌توجیه باشد، پرداختن به برخی مباحث غیرضروری مانند ذکر ممدوحان به تفصیل در تبیین زندگی و ادب ابن‌رومی (همان: ۲۸۶) در مقایسه با شاعرانی چون ابوتمام و بحتری دلیلی بر رد این امر است و نمی‌تواند توجیهی برای سردرگمی فکری مخاطب به‌جهت آشفتگی موضوعات و ناتوانی وی در دسته‌بندی ذهنی مباحث به جهت ناهماهنگی آن‌ها باشد.

## ۳.۶ وجود اعلام بسیار در متن بدون ذکر توضیح در پاورقی

پیش از این اشاره شد که نویسنده در تبیین ویژگی‌های شعری شاعران دوره عباسی به آرای بسیاری از صاحب‌نظران و منتقدان ادبیات استناد کرده است. کثرت استنادات کتاب موجب شده است که نام بسیاری از صاحب‌نظران در متن کتاب آورده شود؛ حال آن‌که

ممکن است مخاطب درباره جایگاه آنان در ادبیات اطلاع چندانی نداشته باشد. بنابراین، می‌طلبد که توضیحی هرچند مختصر درباره آن شخصیت و آثار وی در پاورقی آورده شود تا، به تناسب جایگاه علمی او، مخاطب رأی و نظرش را ارزیابی کند و تحلیل و مقایسه کند؛ چه آن‌که در بسیاری موارد ذکر منبع مورد استناد برای شناخت نویسنده آن کفایت نمی‌کند.

از سوی دیگر، ذکر اعلام بسیار دیگری مانند ممدوحان شاعران، شاعران و ادیبان هم‌دوره آن‌ها (همان: ۳۹۵)، که زندگی و شعرشان در کتاب ذکر نشده است، و نویسندگان دوره عباسی ضرورت وجود توضیحی درباره آن‌ها در پاورقی و فهرست اعلام در انتهای کتاب را ایجاب می‌کند. شاید وجود توضیحاتی چند درباره برخی ممدوحان شاعران آن هم در متن کتاب (همان: ۲۸۶) نشان از علم و آگاهی نویسنده به اهمیت موضوع است، غفلت از سایر اعلام، که عمدتاً از بزرگان ادبیات و دوره عباسی یا افراد مؤثر در زندگی و ادب شاعران است، ضعف دیگری است که نیازمند رفع آن از سوی متولیان امر تصحیح کتاب است.

#### ۴.۶ اشکالات نگارشی

از مهم‌ترین اشکالات نگارشی که در بررسی کتاب کاملاً به چشم می‌آید ناهماهنگی در نگارش همزه‌های قطع است که از ابتدا تا انتهای کتاب به وضوح قابل رؤیت است. عدم نگارش همزه‌های قطع به حدی در کتاب شایع است که ذکر همه آن‌ها از حوصله بحث خارج است و فقط به نمونه‌هایی از آن با ذکر شماره صفحه در ذیل اشاره می‌شود:

- باب افعال در افعالی مانند امسکت (همان: ۱۵۶)، اقبل (همان: ۱۵۶)، انزل (همان: ۶۲)، ابرز (همان: ۲۰۲)، ادرك (همان: ۲۳۷، ۱۲۶)؛
- و مصادری هم چون اطالة (همان: ۱۷۰)، الاشارة (همان: ۵۹)، انشاء (همان: ۵۹)، الاقدار (همان: ۶۲)، الاقامة (همان: ۱۸۶)، الاسراف (همان: ۱۸۹)، الارادة (همان: ۷۵)، الاجادة (همان: ۲۰۲)، انشاد (همان: ۲۰۶)، الاناقة (همان: ۸۸)، الاعراب (همان: ۸۸)، اغراق (همان: ۲۱۰)، ادخال (همان: ۲۱۰)، اعادة (همان: ۹۷)، الاسفاف (همان: ۱۲۰)، الاغضاء (همان: ۱۲۷)، ارشاد (همان: ۱۳۰)؛
- مضارع متکلم وحده، مانند اسعی (همان: ۲۰۸)، اکتّمها (همان: ۱۲۵)، اسحب (همان: ۱۲۵)، اطيع (همان: ۱۲۵)، اعلم (همان: ۱۲۶)، ابکی (همان: ۱۲۶)؛

- اسم‌ها، مانند ابی‌نواس (همان: ۵۵، ۱۲۴)، الاسلام (همان: ۵۸)، الاندلس (همان: ۵۹)، افلاطون (همان: ۶۲)، ارسطو (همان: ۶۲)، اساطین (همان: ۶۲)، اسلوب (همان: ۲۰۴)، الاسد (همان: ۲۰۹)، انفته (همان: ۳۹۳)؛
- اسم تفضیل، مانند اطیع، اشعر (همان: ۱۶۴)، الاولى (همان: ۲۴۵)، اثن (همان: ۱۲۷)؛
- اسم‌های جمع، مانند انموزج (همان: ۱۶۵)، الاقنیه (همان: ۵۲)، الامصار (همان: ۵۸)، الامراء (همان: ۵۹)، الاقطار (همان: ۱۸۶)، الاسماع (همان: ۲۰۴)، الالفاظ (همان: ۸۷)، ادباء (همان: ۹۶)، اراجیز (همان: ۱۲۳)، اقدمین (همان: ۴۱۳)؛
- حروف، مانند امّا (همان: ۵۶)، ان (همان: ۷۰)، الا (همان: ۹۵)، الی (همان: ۱۲۱، ۱۲۵).

این درحالی است که در برخی موارد نگارش آن صورت گرفته است، مانند

- فعل‌های باب إفعال: أدرك (همان: ۲۳۷)، أقاموا (همان: ۱۲۲)؛
- مصادر باب إفعال: إناخة (همان: ۱۱۸)، إزراء (همان: ۱۲۸)، إحراق (همان: ۲۴۸)؛
- مضارع متکلم وحده: أمشی (همان: ۱۲۵)، أشرب (همان: ۱۲۵)، أبکی (همان: ۱۲۶)، أرفعه (همان: ۲۴۷)، أمدحه (همان: ۲۴۷)، أکون (همان: ۱۲۹)؛
- اسم‌ها: أبی‌نواس (همان: ۱۲۲)، أبی‌فراس (همان: ۱۰۰)، الأسد (همان: ۲۰۹)، الأسلوب (همان: ۲۱۱)، أثر (همان: ۱۰۰)، أمه (همان: ۱۰۷)، أنفة (همان: ۳۹۳)؛
- اسم تفضیل: أطیع (همان: ۲۴۸)، أملح (همان: ۲۴۸)، أحسن (همان: ۲۴۸)، أهیس (همان: ۱۹۹)، أول (همان: ۹۵)، أهمّ (همان: ۹۵)، أعمق (همان: ۱۰۰)، أغزر (همان: ۱۰۶)؛
- اسم‌های جمع: أوتار (همان: ۲۰۴)، أنواع (همان: ۹۵)، أسباب (همان: ۱۰۴)، أساتذة (همان: ۱۱۱)، أوهام (همان: ۴۱۳)؛
- حروف: أو (همان: ۱۰۰)، أما (همان: ۱۰۴)، إلی (همان: ۱۰۶)، إنما (همان: ۱۱۸)، إلی (همان: ۱۲۱، ۱۲۵).

ناهماهنگی نگارش همزه‌ها زمانی آشکارتر می‌نماید که با دقت در شماره صفحات ذکرشده مشاهده کنیم نگارش همزه‌ها و عدم نگارش آن گاه مربوط به یک صفحه و حتی یک کلمه است.

از آنجاکه مؤلف کتاب عربی‌زبان بوده است، متن کتاب به زبان عربی علمی نوشته شده و چنان‌که خود در پیش‌گفتار کتاب آورده است، به‌جهت دقت فراوان وی از اشکالات صرفی و نحوی پیراسته شده است. از این‌رو، بیش‌تر اشکالاتی که در کتاب دیده می‌شود تاییدی و قابل‌تصحیح است که به مواردی از آن در ذیل با ذکر شماره صفحه اشاره می‌شود:

- بنو (همان: ۲۸۴)؛
- ال / الی (همان: ۴۳۹)؛
- هیئة / هیبة (همان: ۴۴۱)؛
- عتمدها / اعتمدها (همان: ۴۴۴)؛
- منشأها / منشأها (همان: ۴۴۶)؛
- محد / مجد (همان: ۳۴۴)؛
- الببغا / الببغاء (همان: ۳۴۴)؛
- الثمانية الأبيات الأولى / الأبيات الثمانية الأولى (همان: ۳۵۶)؛
- الافرنسية / الفرنسية (همان: ۴۱)؛
- نواس / أبی نواس (همان: ۱۶۷)؛
- نفساً / نفس (همان: ۸۲)؛
- هذ / هذا (همان: ۲۰۹)؛
- لجلججه / لجلجة (همان: ۲۱۴)؛
- إخذ / أخذ (همان: ۱۰۷)؛
- ذاكرأی / ذاك رأی (همان: ۴۵۲).

## ۵.۶ عدم انطباق کامل با سرفصل‌های مصوّب وزارت علوم

اگرچه موضوع اثر در انطباق با اهداف عمده درس تاریخ ادبیات از دوره عباسی تا سقوط بغداد است، جامعیت محتوای آن همه مباحث این عصر را دربر نمی‌گیرد و به بسیاری از شاعران و نویسندگان این عصر نپرداخته است و به‌همین‌جهت نیز در انطباق کامل با آخرین سرفصل وزارت علوم نیست و نمی‌توان آن را منبع اصلی این درس معرفی کرد. اما از آن‌جاکه شیوه ارائه مباحث در این کتاب و محدودشدن آن به تحلیل و بررسی دقیق زندگی و شعر شاعران سرآمد این عصر فرصت جزئی‌نگری و گرایش به شیوه تحلیلی —

پژوهشی را برای دانشجویان، به‌ویژه در مقطع کارشناسی ارشد، فراهم کرده است و هدف اصلی این مقطع که سوق‌دادن دانشجویان به‌سمت پژوهش علمی و جست‌وجوی دقیق ادبی و واردشدن به عرصه تخصص‌گرایی است محقق شده است. از این‌رو، با همین ساختار موضوعی به‌عنوان منبعی فرعی در این درس قابل‌ارائه در مقطع کارشناسی ارشد است.

## ۷. پیش‌نهادهای

به‌منظور به‌کمال‌رساندن کتاب توجه به پیش‌نهادهای زیر برای دستیابی به نتیجه مطلوب‌تر ضروری می‌نماید:

۱. هماهنگی و یک‌دست‌کردن عنوان‌های فرعی و ریزعنوان‌ها با شماره‌گذاری و تغییر رنگ و قلم؛
۲. کتابت صحیح بیت‌های مدرج؛
۳. حذف فاصله‌های طولانی میان تقسیماتی که دارای عنوان نیست (مانند تقسیمات صفحات ۴۰۶ و ۴۱۶)؛
۴. هماهنگی در نگارش پاورقی‌ها؛
۵. تصحیح علامت‌های نگارشی، به‌ویژه قبل از استناد به ابیات؛
۶. اعراب‌گذاری ابیات به‌منظور تسهیل خواندن آن‌ها؛
۷. افزودن فهرستی از اعلام موجود در کتاب با توجه به تاریخی و ادبی بودن آن؛
۸. افزودن فهرست منابع بخش اول و هماهنگی میان آن با فهرست منابع بخش دوم.

## ۸. نتیجه‌گیری

باتوجه به اهمیت ادبیات دوره عباسی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دوره‌های ادبیات عرب، که رابطه تنگاتنگی نیز با دوره‌های دیگر دارد، لازم است تا منابع تدریس آن در مقاطع تحصیلی مختلف متناسب با اهداف آن مقطع انتخاب و تدوین شود. کتاب *امراء الشعر العربی فی العصر العباسی* با روش تحلیلی جدید، که مبتنی بر اصول پژوهش علمی در منابع و مراجع ادبی و فهم دقیق ادبیات از طریق بررسی بخش عظیمی از اشعار شاعران برجسته عصر عباسی تألیف شده است، توانسته هدف علمی — ادبی پژوهش را به‌خوبی محقق کند.

نویسنده، بنابر شگرد استادی خویش، با ارائه ترتیب منطقی در تحلیل و بررسی مباحث، قوت استنادات، به‌کارگیری تکنیک‌های آموزشی، استفاده از شاهد مثال‌های بسیار، و ...

توانسته است، علاوه بر آسان‌تر کردن فهم مباحث و تقویت مخاطب در فهم متون، نتیجه کلی کتاب را، که استنتاج ویژگی‌های شعر دوره عباسی از طریق تحلیل و تطبیق است، به عهده خواننده بگذارد تا با تحلیل نهایی از مباحث و تحلیل‌های ارائه‌شده در کتاب از طریق استقرا حاصل آید. نویسنده، با این شیوه، هدف اصلی کتاب، یعنی گذر از مرحله آموزش و سوق دادن مخاطب به سمت تخصصی‌شدن و حوزه پژوهش علمی و تحلیلی، را محقق کرده است. از این رو، به نظر می‌رسد این کتاب، پس از بازنگری و رفع کاستی‌های محتوایی و نگارشی، به عنوان منبع فرعی درس تاریخ ادبیات از دوره عباسی تا سقوط بغداد، در مقطع کارشناسی ارشد، کارایی لازم را داشته باشد.

### کتاب‌نامه

- ابونواس، الحسن بن هانی (۲۰۰۷)، *دیوان*، حقه و ضبطه و شرحه أحمد عبدالمجید الغزالی، بیروت: دار الکتاب العربی.
- پروینی، خلیل، حامد صدقی، و دانش محمدی رکعتی (۲۰۱۳)، «أنیس الخوری ناقد أ (دراسة فی آرائه و مناهجه النقدية)»، *مجلة اتحاد الجامعات العربیة للآداب*، ج ۱۰، ش ۲.
- التبریزی، الخطیب (۱۹۹۴)، *شرح دیوان أنبی تمام*، ج ۲، بیروت: دار الکتاب العربی.
- الحازمی، إبراهیم عبدالله (۱۹۹۸)، *موسوعة أعلام القرن الرابع عشر والخامس عشر الهجري*، الرياض: دار الشریف.
- الحوفی، أحمد محمد (۱۹۶۸)، *تيارات ثقافية بين العرب والفرس، القاهرة: دار نهضة مصر للطبع و النشر*.
- الزركلي، خيرالدين (۲۰۰۲)، *الأعلام، قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربين والمستشرقين*، ج ۲، بیروت: دار العلم للملايين.
- شلبی، أحمد (۱۹۶۸)، *كيف تكتب بحثاً أو رسالة، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية*.
- ضیف، شوقی (۱۹۶۶)، *تاريخ الأدب العربی، العصر العباسی الأول*، القاهرة: دار المعارف.
- عاصی، مصطفی (۱۳۷۵)، «زبان‌شناسی: از نظریه تا کاربرد»، *مجلة فرهنگ*، ش ۱۷.
- الفاخوری، حنا (بی تا)، *الجامع فی تاریخ الأدب العربی (الأدب القديم)*، بیروت: دار الجیل.
- المقدسی، أنیس (۱۹۸۹)، *أمراء الشعر العربي في العصر العباسي*، بیروت: دار العلم للملايين.
- لانسون، جوستاف (۱۹۴۶)، *منهج البحث في الأدب و اللغة، ترجمة محمد مندور، القاهرة: نهضة مصر للطباعة و النشر*.